



## Sharia Supervision of Laws and Regulations in the Legal System of Egypt and Iran

Mohammad Bahadori Jahromi <sup>1</sup>, Ali shokrolahi <sup>2\*</sup>

1- Assistant Prof., Department of Public Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

2- MA student of public law, Imam sadiq university (as), Tehran, iran

DOI: [10.22034/qjplk.2024.1899.1722](https://doi.org/10.22034/qjplk.2024.1899.1722)

### Abstract

The nature and origin of laws is a topic that has been the subject of serious discussions, especially in the new era, and there are different opinions about it. In the Islamic view, which can be seen in the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Sharia is the main source of legislation, and laws that do not conflict with Sharia rules and standards are legitimate. However, in many Islamic countries, despite the existence of religious relations, influenced by secular currents, the confrontation with Sharia has taken a separate path, which has led to serious differences in the field of legislative competence and decision-making regarding Sharia rulings. This paper, tries to analyze the strengths and weaknesses of the Sharia monitoring system of Iran's laws and regulations in terms of "the place of Sharia in the constitution", "the investigating institution" and "the review of the monitoring procedure" using a descriptive-analytical method. Guardian Council in Iran and the Supreme Constitutional Court in Egypt are responsible for this type of supervision, in which the Supreme Constitutional Court of Egypt, with a passive and limited approach to the laws, approves the parliament only in order to comply with the general principles of Sharia law. It evaluates specific criteria and in a judicial process

### Keywords

Islamic Supervision, Law, Parliament, Guardian Council, Supreme Constitutional Court, Iran, Egypt.

---

\* **Email:** a.shokrollahi@isu.ac.ir (Corresponding Author)





## نظارت شرعی بر قوانین و مقررات در نظام حقوقی مصر و ایران

محمد بهادری جهرمی<sup>۱</sup> (ID)، علی شکراللهی<sup>۲</sup> (ID)

۱. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: [10.22034/qjplk.2024.1899.1722](https://doi.org/10.22034/qjplk.2024.1899.1722)

### چکیده

ماهیت و منشأ اخذ قوانین موضوعی است که به‌خصوص در عصر جدید مورد گفت‌وگوهای جدی واقع شده است و نظرات مختلفی درباره آن وجود دارد. در نگاه اسلامی، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل مشاهده است، شریعت منبع اصلی قانونگذاری است و قوانینی مشروعیت دارند که تعارضی با احکام و موازین شرعی نداشته باشند. با این حال در بسیاری از کشورهای اسلامی، به‌رغم وجود علاقه‌های دینی متأثر از جریان‌های سکولار، مواجهه با شریعت مسیری جداگانه را طی کرده که به ایجاد تفاوت‌های جدی در حوزه صلاحیت قانونگذاری و تصمیم‌گیری در قبال احکام شرعی انجامیده است. در این نوشتار سعی بر آن است تا با روشی توصیفی-تحلیلی نقاط قوت و ضعف نظام نظارت شرعی قوانین و مقررات ایران نسبت به نظام حقوقی مصر از حیث «جایگاه شرع در قانون اساسی»، «نهاد رسیدگی‌کننده»، و «رویه نظارت» بررسی شود. دو نهاد شورای نگهبان در ایران و دادگاه عالی قانون اساسی در مصر مسئولیت این نوع نظارت را بر عهده دارند که در این میان دادگاه عالی قانون اساسی مصر، با رویکردی منفعلانه و محدود قوانین، مصوب پارلمان را صرفاً از جهت تطابق با اصول کلی شریعت آن هم با ضوابطی خاص و در روندی قضایی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد.

کلیدواژگان: ایران، پارلمان، تقنین، دادگاه عالی قانون اساسی، شورای نگهبان، مصر، نظارت شرعی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

\* Email: a.shokrollahi@isu.ac.ir



## مقدمه

هر جامعه بشری برای تنظیم روابط بین افراد خود نیازمند وضع قوانین و مقرراتی است تا بر اساس آن‌ها روابط را سامان دهد و از درگیری جلوگیری و اختلافات را حل و فصل کند. نیاز جوامع به وجود قانون به میزانی است که کمتر اندیشمندی در اصل آن تردید کرده است. با وجود این، به‌رغم اینکه در اصل وجود قانون اختلاف جدی وجود ندارد، در مبدأ و چگونگی وضع آن و همچنین در این موضوع که قانون باید در خدمت چه اهدافی باشد یا منبع و مبانی آن چه باید باشد اختلافات زیادی بین اندیشمندان از دیرباز وجود داشته است. در عصر جدید و مصادف با تحولات فکری و فلسفی در غرب در حوزه حقوق و به‌خصوص مفهوم قانون نیز تأملات فراوانی صورت گرفت که منجر به شکل‌گیری درک تازه‌ای از قانون و مبانی و مبادی آن شد (لاگلین، ۱۳۹۳: ۲۵۲-۲۵۵). در این میان نسبت حاکمیت و مذهب امری است که جهت‌گیری‌های کلی یک نظام را در امر تقنین و قضا مشخص می‌کند. برخی حاکمیت‌ها رابطه موسعی با مذهب برقرار می‌کنند به صورتی که مذهب مشخصی را به عنوان منبع تقنینی خود در نظر می‌گیرند و برخی اساساً به طرد مذهب از میدان قانونگذاری می‌پردازند (غمامی، ۱۳۹۰: ۵۰). در رویکردهای مدرن، که با کنار گذاردن کلیسا به عنوان نهاد دینی از عرصه سیاست و حکومت ماهیت زمینی یافتند، انسان در محوریت قرار گرفت و در عرصه قانون‌گذاری ذی‌حق شناخته شد (کلی، ۱۳۸۳: ۳۷۲)؛ به‌خصوص در قرن هفدهم با متداول شدن اندیشه‌های سیاسی مبتنی بر قرارداد اجتماعی در غرب (کلی، ۱۳۸۳: ۲۹۴) عملاً رویکردهای الهیاتی که قانون‌گذاری را شأن خدا و شریعت را منبع آن می‌دانستند تضعیف شدند (زیباکلام، ۱۳۹۵: ۲۵۳-۲۵۱). پس از انقلاب کبیر فرانسه و غلبه لائیسیته، این اندیشه که «قانون همانا اراده ملت در تنظیم روابط اجتماعی است»<sup>۱</sup> طوری رایج شد که بعضاً بدیهی انگاشته می‌شود.

آنچه از تحولات حقوقی در غرب بیان شد و آنچه در نظام حقوقی فرانسه رخ داده است (وثیق، ۱۳۹۶: ۱۰۰-۹۳) در کشورهای غربی باقی نمانده و به بسیاری دیگر از کشورها، حتی کشورهای اسلامی، سرایت کرده است (بناسی، ۲۰۱۷: ۳۰۶). با این حال گرچه طرفداران حضور دین در حوزه قانون‌گذاری خود نیز دارای عقاید متنوعی هستند، تعهد به رعایت موازین و احکام شرعی در قوانین موضوعه اجمالاً مورد توافق و اجماع آنان است و کشورهای نظیر پاکستان، قطر، سودان، عربستان سعودی، و امارات متحده عربی در قانون

اساسی خود بر نقش کلیدی شریعت اسلامی در تدوین قوانین تأکید کرده‌اند. در این میان مصر کشوری پیشتاز است و ضمن تصریح به این موضوع در قانون اساسی خود مباحث نظری و تجربی فراوانی نیز در عرصه سنجش قوانین و انطباق‌سنجی آن با احکام و موازین شرعی طرح کرده (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۷) که منبع ارزشمندی برای پژوهشگران حوزه حقوق اساسی است. از این جهت، دو کشور اسلامی ایران و مصر که هر دو از قدمت قابل توجهی در زمینه حکمرانی و قانون‌گذاری برخوردارند و شریعت را مبدأ قانون‌گذاری در نظر دارند می‌توانند محل توجه جدی باشند. در این نوشتار سعی خواهد شد ضمن مطالعه تطبیقی نظام حقوقی این دو کشور در حوزه حقوق اساسی به چگونگی نظارت شرعی بر مصوبات پارلمانی و حدود و ثغور آن به‌خصوص در قانون اساسی و رویه نظارتی آن به روش تحلیلی و توصیفی پرداخته شود و از این طریق نقش شریعت اسلامی به عنوان قانون الهی در این دو نظام مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد.

گفتنی است ناظر به این موضوع به طور مستقل اثر پژوهشی قابل توجهی یافت نشده است و صرفاً در منابع فارسی در بخشی از کتاب *دین و قانون*، تحت عنوان «بررسی جایگاه شریعت در نظم حقوقی مصر»، نوشته محسن اسماعیلی و همکارانش، به‌اختصار به نقش شریعت به‌خصوص در روند قضایی و فضای سیاسی و نظرات گروه‌های اسلام‌گرای مصری، نظیر اخوان‌المسلمین، قبل از بازنویسی قانون اساسی در سال ۲۰۱۴، پرداخته شده است و نگاه تطبیقی نیز در آن یافت نمی‌شود. در منابع لاتین نیز برخی مطالعات، نظیر *اسلام راه‌حل است*: دیدگاه‌های قانون اساسی اخوان‌المسلمین مصر، نوشته کریستین استیلت<sup>۱</sup>، و *اصول شریعت منبع اصلی قانون‌گذاری است*<sup>۲</sup>، نوشته ناتالی برنارد ماژیرون و بودوین دوپقت<sup>۳</sup>، از جهاتی به مسئله شرع در نظام حقوقی به‌خصوص در بخش قضایی پرداخته‌اند که آن‌ها نیز نگاه تطبیقی نیز ندارند. در ادامه به بررسی این موضوع در سه بخش «جایگاه شرع در قانون اساسی»، «نهاد رسیدگی‌کننده»، «رویه نظارت» به نحو تطبیقی پرداخته خواهد شد.

## ۱. جایگاه شرع در قانون اساسی

### ۱-۱. مصر

اولین قانون اساسی مصر در سال ۱۹۲۳ میلادی به نگارش درآمد. اما بعد از آن در سال‌های ۱۹۵۶، ۱۹۵۸، ۱۹۶۴، و ۱۹۷۱ میلادی مورد بازننگری‌های کلی و جزئی قرار گرفت (کعبی و

دیگران، ۱۳۹۱: ۶۹). البته برخی مفاد قانون اساسی ۱۹۷۱ نیز در سال ۱۹۸۰ اصلاح شد. همچنین، پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ و سرنگونی حسنی مبارک از قدرت، مجدداً در سال ۲۰۱۲ مجلس مؤسسان قانون اساسی تشکیل (ابوالمعاطی، ۲۰۱۲: ۱) و قانون اساسی جدید تصویب شد (مرسی، ۲۰۱۲: ۱). پس از تحولات دوران ریاست‌جمهوری محمد مرسی، که به عنوان نماینده اخوان‌المسلمین در قدرت قرار گرفته بود، نیز بعد از برکناری وی، مجلس مؤسسان قانون اساسی دوم تشکیل شد و قانون اساسی در ۱۴ و ۱۵ ژانویه سال ۲۰۱۴ به تصویب رسید (منصور، ۲۰۱۴: ۱). گفتنی است این قانون اساسی نیز در آوریل ۲۰۱۹ میلادی مورد بازنگری قرار گرفت (Egypt to vote on extending Sisi's term on April, 2019: 20-22) و برخی مواد آن، به‌خصوص ماده ۱۴۰، اصلاح شد (مجلس النواب، ۲۰۱۹: ۱). عمده تغییرات به منظور افزایش قدرت و اختیارات مقام ریاست‌جمهوری و ارتش مصر صورت گرفته است (Egypt constitutional changes could mean Sisi rule until, 2019: 2030).

با این حال، می‌توان نخستین بارقه ظهور شریعت اسلامی و اثرگذاری آن در نظام حقوقی مدرن مصر را در قانون اساسی سال ۱۹۷۱ مشاهده کرد که بر اساس آن شریعت اسلامی به عنوان منشأ اصلی قانون‌گذاری معرفی شد (ال مدکس، ۱۳۸۵: ۴۵۹-۴۶۲). اگرچه در قانون اساسی یادشده سازکار و ضمانت اجرایی خاصی برای آن در نظر گرفته نشد، از آن پس در همه موارد تدوین و اصلاح قانون اساسی در سالیان متمادی ماده ۲ به این شرح گنجانده شد: «دین رسمی کشور اسلام، زبان رسمی آن عربی، و منبع اصلی قانون‌گذاری مبادی شریعت اسلامی است».<sup>۵</sup> این گزاره تاکنون دست‌نخورده باقی مانده است.

به‌رغم وجود ماده ۲ قانون اساسی و تأکید بر این موضوع که شریعت اسلامی به عنوان منبع اصلی تقنینی مورد پذیرش واقع شده است می‌توان به اشکالات و ملاحظات در زمینه چگونگی اجرای این ماده و اثربخشی آن بر وضع قوانین در جمهوری عربی مصر اشاره کرد که در ادامه بیان خواهد شد:<sup>۶</sup>

۱. قانون اساسی هر کشور مهم‌ترین منبع حقوق اساسی آن است که به طور صریح و ضمنی منابع مکتبی خود را تبیین می‌کند (غمامی، ۱۳۹۰: ۴۰) و دربردارنده مفاد و اصولی است که مجموعه آن موارد نظام‌واره حقوقی، سیاسی، و اجتماعی آن جامعه را نشان می‌دهد. بنابراین

باید برای فهم دقیق منطق حاکم بر یک نظام حقوقی همه اجزای قانون اساسی را در کنار هم فهمید و معنا کرد و از نگاه مجزا به مواد قانونی حتی المقدور پرهیز کرد. به همین جهت در کنار ماده ۲ باید به مفاد دیگر قانون اساسی مصر نیز توجه داشت (القمری، ۲۰۱۹: ۶)؛ از جمله این موارد روح حاکم بر قانون اساسی است که در مقدمه آن می‌توان نشانه‌های آن را مشاهده کرد. تأکید جدی در مقدمه بر ملی‌گرایی استوار است؛ طوری که می‌توان گفت مصر و ملیت بر اسلام و شریعت تقدم دارد.

از سوی دیگر در مقدمه به صراحت به دموکراسی و پلورالیسم سیاسی<sup>۷</sup> به عنوان مناط اصلی در حکمرانی اشاره شده است<sup>۸</sup> که جمع آن با شرع محوری مقدر نیست. در موردی دیگر در مقدمه و ماده ۴ و ۹ به صراحت به برابری در حقوق و تکالیف شهروندان مصری بدون هیچ تبعیض و امتیازی تأکید شده است<sup>۹</sup> و ماده ۵۳ نیز دین را عامل تمیزدهنده در حقوق و تکالیف شناخته است<sup>۱۰</sup> که قاعدتاً با بسیاری از احکام شرعی اهل سنت نیز در تعارض است.

با توجه به آنچه بیان شد واضح است برخلاف آنچه از ماده ۲ انتظار می‌رود شریعت اسلامی به معنای اتم خود در نظام حقوقی مصر مورد پذیرش واقع نشده و ارزش‌هایی چون دموکراسی، پلورالیسم، و حقوق بشر هم‌ردیف با شریعت اسلامی از احترام برخوردارند و قانون اساسی مصر نیز ضامن تحقق آن است. با این حال صاحب‌نظرانی همچون قاضی عبدالحمید غراب به صراحت از اجرای فوری و کامل شریعت دفاع و تأکید می‌کند که در مصر پس از اصلاح ماده ۲ قانون اساسی تکلیفی متوجه قوه مقننه نیست؛ بلکه بر عهده قاضی است و این مسئولیتی است که او در برابر خداوند بر عهده می‌گیرد (غراب، ۱۹۸۶: ۱). البته برخی نیز این نظر را نپذیرفته و ماده ۲ قانون اساسی را غیر قضایی و فاقد معیار مشخص دانسته‌اند (عیسی، ۱۹۹۷: ۳۵۰).

۲. با اینکه قانون‌گذار اساسی به صراحت از اصطلاح «مبادی شریعت اسلامی» در ماده دوم به عنوان مصدر قانون‌گذاری نام برده است، این عبارت دارای ابهام جدی است؛ به‌خصوص اینکه کشور مصر دارای تنوع مذهبی است و سه مذهب شافعی و مالکی و حنفی تعداد قابل توجهی از جمعیت ملت مصر را به خود اختصاص داده‌اند و این موضوع در کنار وجود اختلاف فتاوی و برداشت فقها در هر یک از این مذاهب اهل سنت سبب شده مراد از مبادی شریعت اسلامی در این ماده واضح نباشد و معیار مشخصی برای سنجش قوانین با آن

استنباط نشود. با وجود این، زمانی که در سال ۲۰۱۱ برخی احزاب سلفی خواهان حذف لفظ «مبادی» از ماده ۲ شدند شیخ الازهر هم‌نظر با طرفداران جامعه مدنی و مسیحیان با صدور بیانیه‌ای به شدت با تغییر این ماده مخالفت کرد. در این بیانیه آمده است: «الازهر مسئولیت قانونی، ملی، و تاریخی خود می‌داند که اعلام کند مواضعش این بوده و هست که ماده ۲ را همان‌طور که در قانون اساسی ۱۹۷۱ نوشته شده بود حفظ کند» (الطیب، ۲۰۱۲: ۱). همچنین در این سند، که در ژوئن ۲۰۱۱ صادر شد، آمده است: «اصول جهانی حقوق اسلامی منبع اصلی قانون‌گذاری است». علت این مخالفت‌ها را می‌توان در این نکته خلاصه کرد که حذف لفظ مبادی سبب می‌شد احکام شریعت اسلامی خود منبع اصلی قانون‌گذاری واقع شود<sup>۱۱</sup> و نه صرفاً اصول کلی دینی که منطبق بر اصول جهانی حقوق بشر است (تناغو، ۲۰۱۳: ۱).

در هر حال باید بیان داشت با توجه به سیر تاریخی قانون اساسی مصر و آنچه از مواد این قانون به‌خصوص ماده ۲ برداشت می‌شود محدود شدن رویکرد شرعی به یک‌سری اصول کلی شرعی است که ضابطه مشخصی نیز ندارد و عمده احکام شرعی از حدود آن خارج است. عبارت مبادی و رویه موجود نیز مؤید همین نظر است.

۳. دادگاه عالی قانون اساسی مصر در ذیل یکی از آرای خود<sup>۱۲</sup> به تفسیر مبادی شریعت اسلامی و نسبت احکام فقهی و قانونی و حدود اختیارات حکومت در وضع قانون پرداخته است. طبق این رأی صرفاً آن دسته از احکام شرعی که در ثبوت و دلالت کاملاً قطعی و برآمده از مبادی و اصول کلی اسلامی است که تردیدی در آن نمی‌توان روا داشت و مقید به زمان و مکان خاصی نیست می‌تواند مبنای قانون‌گذاری قرار بگیرد. از سوی دیگر این اصول کلی مواردی است که حفظ دین، جان، عقل، عرض، و مال مبتنی بر آن است. همچنین در رأی یادشده آمده است که حاکم حق دارد در موارد اختلافی، بنا بر تسهیل امور مردم و رعایت مصالح عامه و حراست از آداب و رسوم جامعه، اجتهاد و قانون‌گذاری کند و این موضوع تناقضی با مفاد ماده ۲ قانون اساسی ندارد. علاوه بر این، از تفسیر دادگاه قانون اساسی و آنچه در آرای آن استناد کرده است چنین استنباط می‌شود که اصول شریعت اصولی فراقانونی نیست، بلکه دادگاه عالی این کشور تأیید کرده است که قانون اساسی از انسجام برخوردار است و همگن است. این همگنی ایجاب می‌کند که توجه به شریعت اسلامی تعارضی با سایر موارد پذیرفته‌شده، نظیر برابری و عدم تبعیض و بایسته‌های حقوق بشری، نداشته باشد (Bernard-

(Maugiron & Dupret, 1999: 116). همچنین دادگاه با تفسیر لفظی و مضیق از ماده ۲ آن را تأسیسی انگاشته (Stilt, 2010: 100) و دامنه شمول آن را نسبت به قوانینی که پس از گنجاندن این ماده در قانون اساسی به تصویب می‌رسند محدود ساخته است (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۴۶-۳۵۰)؛ بدین صورت که از تعارض سنجی قوانین مصوب با احکام شریعت پرهیز و صرفاً بر اساس یک‌سری اصول کلی، که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد، مصوبات و قوانین را ارزیابی می‌کند.

این برداشت دادگاه عالی با انتقادات جدی، به‌خصوص از سوی اسلام‌گرایان مصری، مواجه است. از انتقادات وارده آن است که بنا بر این تفسیر بسیاری از احکام مسلم شرعی در مقام تقنین کنار گذاشته می‌شود و در بعضی مواقع احکام مغایر با شریعت اجرا می‌شوند. وجود مظاهر غیر موافق با احکام شرعی در جامعه مصر از باشگاه‌هایی که در آن اعمال منافی عفت صورت می‌گیرد و مدیریت آن مجوز دارد تا مواردی که دولت به کارخانه‌های تولید مسکرات و مغازه‌های فروش و سرو مشروبات الکلی و رسانه‌های سمعی و بصری و چاپی که مواردی را که با احکام شریعت اسلامی موافق نیست پخش و منتشر می‌کنند مجوز می‌دهد، نمایان است. وضع احکام مجازات برخلاف فتاوی نیز از دیگر موارد است (القمری، ۲۰۱۹: ۴). همچنین این رأی و ماده یادشده شرع را منبع اصلی و نه تنها منبع تقنین معرفی می‌کند که خود بیانگر هم‌عرض شدن شرع مقدس و باقی منابع است (القمری، ۲۰۱۹: ۹). نقد اساسی دیگری که به رویکرد مضیق به ورود شریعت در حوزه تقنین از سوی برخی نویسندگان بیان شده است در مورد مبانی حکومت اسلامی است. به باور این اندیشمندان اساس حکومت اسلامی بر پایه خوف از خدا و تبعیت از او استوار است (المودودی، ۱۹۶۹: ۷۷). هر امری زمانی مشروع و عادلانه است که خداوند آن را اثنا کند. بنابراین می‌توان گفت که اساس مشروعیت اسلامی آموزه توحید است. بر این مبنا، مقصود از سیاست عدل و توحید عدالت مبتنی بر توحید است (کمال وصفی، ۱۹۹۴: ۴۰). وقتی بسیاری از محققان در حوزه حقوق عمومی به اصل مشروعیت پرداخته‌اند از اصطلاح «مشروعیت» یا «مشروعیت عالی اسلامی» برای بیان مفهوم «حکومت» استفاده کرده‌اند.<sup>۱۳</sup> بنابراین، اصل مشروعیت عنصری از حکومت و نوعی از انواع آن است که برخی آن را به جای حکم الهی «حکم کتاب» نامیده‌اند (جابر علوانی، ۱۹۹۵: ۲۲-۳۹). این مطلب همانی است که برخی، نظیر امام نووی<sup>۱۴</sup>، به آن فتوا داده‌اند و حکم کردن بین



مردم بر اساس حکم الله را ضروری دانسته و در این زمینه ادعای اجماع نیز کرده‌اند (النووی، بی تا: ۹۲). بنابراین، احکام اسلامی باید مبنای قانون‌گذاری قرار گیرد و نه صرفاً مبادی شریعت که در ماده ۲ قانون اساسی آمده است یا مقاصد دینی، نظیر آنچه در حکم دادگاه عالی بیان شده یا امثال سنه‌وری ادعا کرده‌اند (تناغو، ۲۰۱۳: ۱). السنه‌وری می‌گوید احکام فقهی مستلزم هماهنگی بین این احکام و اصول کلی است که قانون مدنی در مجموع بر آن استوار است.<sup>۱۵</sup> بنابراین اتخاذ حکمی در فقه اسلامی که مخالف اصل باشد جایز نیست تا قانون مدنی همگونی و هماهنگی خود را از دست ندهد (السنه‌وری، ۲۰۰۹: ۶۱؛ الجندی، ۲۰۰۹: ۹۸؛ زین‌العابدین، ۲۰۱۳).

## ۱-۲. ایران

آنچه بیان شد وضعیت و جایگاه شریعت در قانون اساسی جمهوری عربی مصر بود. نظام حقوقی ایران در برابر شریعت در قانون اساسی خود موضع متفاوتی را اتخاذ کرده که در ادامه به اختصار بیان می‌شود. انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ بر مبنای اندیشه‌های دینی و با هدف ایجاد حاکمیت الهی و برقراری عدالت اسلامی پیروز شد و همین نگاه در مقدمه قانون اساسی به خوبی به تصویر کشیده شده است.<sup>۱۶</sup> از اجزای مهم نظام اسلامی بخش قانون‌گذاری است که در مواضع متعدد به انحاء مختلف مورد توجه قانون‌گذار اساسی قرار گرفته است. در اصل ۲ قانون اساسی آمده است: «جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به: ۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین...» بر این اساس در نظام حقوقی ایران تشریح و قانون‌گذاری مختص خداوند است که از طریق وحی الهی و اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین<sup>(س)</sup> و استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها اعمال می‌شود. «از جمله آثار مهم اعتقاد به ربوبیت تشریحی خداوند این است که در حکومت اسلامی حکمرانان مانند آحاد مردم تابع قانون الهی هستند و لذا همه باید تابع قانونی باشند که رب و پروردگار عالم برای آنها وضع نموده است؛ مگر مواردی که آن هم توسط خداوند بنا به مصلحت استثنا شده است» (کعبی، ۱۳۹۳: ۱۰-۱۱). در غیر این صورت «حکام به حکم قرآن (مانده: ۴۴-۴۶) کافر و ظالم و فاسق خواهند بود» (سبحانی، ۱۳۷۰: ۱۹۷). در واقع می‌توان ادعا کرد که در نظام حقوقی اسلام اصطلاح

وضع قانون توسط قانونگذار مجازاً استعمال شده است (نیکونهاد و زندیه، ۱۳۹۸: ۱۱۹). این رویکرد دقیقاً در برابر سکولاریسم و جدایی دین از سیاست و کنار گذاشتن حاکمیت الهی است که غرب مدرن به سمت آن حرکت کرده است و برخی کشورهای مسلمان نیز از آن پیروی کرده‌اند. همچنین بر اساس بند ۲ اصل یادشده که وحی را مبنای بیان قوانین می‌داند همه قوانین باید با جواز شرعی وضع شوند. «این مجوز گاهی به دلیل اینکه موضوع مورد ابتلا در عصر ظهور اسلام وجود داشته است صراحتاً بیان شده است و گاهی نیز از قواعد کلی قابل استخراج است» (کعبی، ۱۳۹۳: ۱۳).

علاوه بر این اصل ۴ به صراحت از الزام انطباق همه قوانین با موازین اسلامی<sup>۱۷</sup> خبر داده است. این اصل با بیان اینکه بر اطلاق و عموم همه اصول قانون اساسی<sup>۱۸</sup> و قوانین و مقررات دیگر حاکم است خود را فصل الخطاب همه اصول قرار داده است (جوان‌آراسته، ۱۳۸۲: ۸۲). بر این اساس نه تنها موازین اسلامی بر قوانین و مقررات عادی حاکم است بلکه بر دیگر اصول قانون اساسی نیز حکومت دارد. بنابراین باقی اصول را نیز باید با توجه به موازین اسلامی تحلیل و تفسیر کرد (یزدی، ۱۳۶۳: ۱۴).

گفتنی است در اصل ۷۲ نیز بیان شده: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد». همان گونه که از عبارت استنباط می‌شود قوانین نباید با اصول و همچنین احکام شرعی مذهب تشیع مغایرتی داشته باشند و این همان وضعیتی است که برخی اسلام‌گرایان در مصر به دنبال آن بودند؛ یعنی گسترش نظارت شرعی از اصول کلی اسلامی به همه احکام و موازین شرعی.

## ۲. نهاد رسیدگی‌کننده

### ۲-۱. مصر

با توجه به آنچه بیان شد، در نظام حقوقی مصر مبادی شریعت اسلامی با تفصیل یادشده در کنار باقی اصول دموکراتیک و حقوق بشری مورد توجه است. بنابراین نمی‌توان این نظام را کاملاً اسلامی دانست. با این حال با توجه به ماده ۲ قانون اساسی جمهوری عربی مصر قوانین مصوب پارلمانی باید با مبادی شریعت، همان گونه که در رأی بیان شده در دادگاه عالی توصیف شده است، سازگار باشد. در نظام حقوقی مصر، بر اساس قانون اساسی، دادگاه عالی قانون اساسی به عنوان یک نهاد قضایی مأموریت نظارت بر انطباق قوانین و مقررات با قانون اساسی

را به نحو پسینی بر عهده دارد.<sup>۱۹</sup> همچنین دادگاه عالی قانون اساسی نیز، در صورت تعارض بین دو مرجع، دادگاه صالح از نظر عملکرد را تعیین می‌کند و همچنین با تشریفات خاص احکام صادره از دادگاه را در صورت اعتراض از حیث تعارض با قانون اساسی بررسی می‌کند (عبدالرحمن هلول، ۱۹۸۲: ۱۴). به‌رغم اینکه در ماده ۱۹۱ قانون اساسی مصر این دادگاه مستقل معرفی شده است،<sup>۲۰</sup> بنا بر اصلاحات قانون اساسی مصوب ۲۰۱۹ میلادی، اعضای اصلی آن توسط رئیس‌جمهور معین می‌شود.<sup>۲۱</sup> با این حال طبق ماده ۱۹۴ قانون اساسی اعضای دادگاه غیر قابل عزل هستند.

همان‌گونه که بیان شد دادگاه عالی می‌تواند پس از طی مراحل مقرر برای تنظیم پرونده‌های قانون اساسی حکم به مغایرت هر یک از قوانین یا آیین‌نامه‌هایی صادر کند که به مناسبت اعمال صلاحیت به آن تقدیم می‌شود و مربوط به دعوی مطرح شده است.<sup>۲۲</sup> دادگاه نظارت قضایی رسیدگی خود را جهت احراز عدم مغایرت قوانین و مقررات با قانون اساسی بدین شرح انجام می‌دهد:<sup>۲۰</sup>

الف) در صورتی که دادگاه یا مرجعی که صلاحیت قضایی دارد در حین رسیدگی به موضوعی حکم قانون یا آیین‌نامه‌ای را که برای حل اختلاف ضروری است مغایر با ماده ۲ قانون اساسی تشخیص دهد رسیدگی متوقف می‌شود و با ارسال اوراق دادگاه قانون اساسی در مورد موضوع قانون اساسی تصمیم‌گیری می‌کند.

ب) در صورتی که یکی از اصحاب دعوا در جریان رسیدگی به پرونده در دادگاه یا مرجعی که صلاحیت قضایی دارد حکم قانونی یا آیین‌نامه‌ای را مغایر با ماده ۲ قانون اساسی بداند و دادگاه یا مرجع آن مورد را جدی تلقی کند رسیدگی به دعوا را به تعویق خواهد انداخت و برای خواننده مهلتی تعیین خواهد کرد تا حداکثر ظرف سه ماه در این خصوص در دادگاه قانون اساسی اقامه دعوا کند. رأی نهایی دادگاه مبنی بر تعارض یا عدم تعارض با قانون اساسی به نام مردم صادر می‌شود<sup>۲۳</sup> و غیر قابل تجدیدنظر<sup>۲۴</sup> و لازم‌الاجرا است.<sup>۲۵</sup>

## ۲-۲. ایران

در نظام حقوقی ایران مسئولیت نظارت شرعی بر مصوبات مجلس شورای اسلامی و استعلامات دیوان عدالت اداری از راه اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط<sup>۲۶</sup> صورت می‌گیرد. در این زمینه قانون‌گذار اساسی در اصل ۷۲ با پیش‌بینی شورای نگهبان به عنوان مرجع تشخیص

مغایرت بیان داشته است: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل ۹۶ آمده بر عهده شورای نگهبان است». اصل ۹۶ نیز ترتیب این موضوع را بدین شرح مقرر کرده است: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان است» که می‌توان مبنای آن را نیز در اصل ۴ قانون اساسی جست‌وجو کرد. بر این اساس در ماده ۷۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری آمده است: «در صورتی که رئیس قوه قضاییه یا رئیس دیوان رأی قطعی شعب دیوان را خلاف بین شرع یا قانون تشخیص دهند، رئیس دیوان فقط برای یک بار با ذکر دلیل پرونده را برای رسیدگی ماهوی و صدور رأی به شعبه هم‌عرض ارجاع می‌نماید. رأی صادرشده قطعی است».

شورای نگهبان برخلاف دادگاه عالی قانون اساسی مصر حداقل در بخش رسیدگی به مصوبات مجلس دارای ماهیتی غیر قضایی و سیاسی است (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۷۵). فقهای شورای نگهبان مستقیم توسط مقام رهبری انتخاب می‌شوند<sup>۲۷</sup> و ایشان مصوبات مجلس شورای اسلامی را از حیث مغایرت با احکام شرعی بررسی می‌کنند. پرسشی که ممکن است در مورد چگونگی مغایرت‌سنجی مطرح شود این است که فتوای معیار برای تطبیق مصوبات با آن کدام است؟ بعضی صاحب‌نظران فتوای ولی فقیه را حاکم می‌دانند (مؤمن قمی، ۱۳۹۵: ۵۱۵). با این حال شورای نگهبان در نظر تفسیری خود که لازم‌الاتباع نیز است در این زمینه ناظر به اصل ۹۶ صراحتاً فتوای فقهای شورا را ملاک مغایرت‌سنجی اعلام کرده است<sup>۲۸</sup> و امام خمینی<sup>(ره)</sup> نیز به عنوان ولی فقیه وقت مخالفی با آن ابراز نکرده است (ارسطا، ۱۳۹۸: ۷۱). با این حال برخی در موارد احکام سلطانی (نظامیه) نظر ولی فقیه را شرط دانسته‌اند.<sup>۲۹</sup>

نکته دیگری که درباره نحوه نظارت شورای نگهبان با توجه به ماهیت غیر قضایی آن مورد توجه بوده این مطلب است که شورای نگهبان به‌رغم ماهیت غیر قضایی آن در مواردی که قوانینی را حتی پس از تأیید خود خلاف شرع تشخیص بدهد اقدام به باطل کردن آن می‌کند.<sup>۳۰</sup> علاوه بر این، طبق ماده ۸۷ قانون اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (اصلاحی ۱۴۰۲/۰۲/۳۰) هرگاه مصوبه مورد شکایت در این دیوان به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد موضوع جهت اظهارنظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود.<sup>۳۱</sup>

نظر فقهای شورای نگهبان برای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی لازم‌الاتباع است. گفتنی است در مورد قوانین از جهت مغایرت موردی با شرع اعلام مغایرت به منزله ابطال است. اما در مورد مقررات اگرچه اقتضای مبنایی باطل شدن مصوبه به محض تشخیص مغایرت شورای نگهبان است، با توجه به اینکه قانون اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است، وفق ذیل ماده ۸۷ این قانون، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری باید به اعلام بطلان مصوبه اقدام کند. «در مجموع، نظر و رأی شورا در مورد مغایرت یا انطباق مقرره دولتی با شرع انور بیان حکم شرعی است، نه یک فعالیت قضایی. چون نوع نظارت شرعی اعمال‌شده توسط شورای نگهبان از گونه انطباق حکم با موضوع نیست. نظارت شرعی بر مصوبات دولتی به طور مستقیم صورت نگرفته است؛ به این معنی که شورای نگهبان، خود، بدون هیچ‌گونه استعلامی از دیوان یک مقرره را به دلیل مخالف بودن آن با موازین اسلام ابطال نکرده است» (عباسی و حسینی الموسوی، ۱۳۹۶: ۳).

### ۳. بررسی رویه نظارت

#### ۳-۱. مصر

با توجه به آنچه بیان شد، واضح است که در نظام حقوقی مصر اصل بر آزادی قانون‌گذار در امر تقنین است. بنابراین در مواردی که ثابت شود قانون اساسی محدودیت صریح یا ضمنی ایجاد نکرده است صورت صحیح آن است که ارزیابی آزادی اهداف به نمایندگان مردم تحت نظارت مردم واگذار شود. زیرا این امر از نظر طرفداران این رویکرد امکان توسعه قانون را فراهم می‌کند و سبب می‌شود قانون در محدوده تعیین‌شده توسط قانون اساسی به جلو حرکت کند (سلمان، ۲۰۲۰: ۱). بنابراین امر تقنین باید بدون اظهارنظر در مورد آن به قانون‌گذار واگذار شود، مگر در مواردی که قانون اساسی برای افکار عمومی جایگاهی را تنظیم کرده است؛ از طریق اعتراض مردمی، پیشنهاد مردمی، همه‌پرسی مردمی که همگی مظاهر دموکراسی نیمه‌مستقیم است (الطماوی، ۲۰۱۷: ۳۳).

با این حال همان‌طور که در بخش قبل نیز بیان شد دادگاه قانون اساسی صلاحیت رسیدگی به اعتراضات ناشی از تعارض قوانین مصوب با قانون اساسی را بر عهده دارد. بنابراین در مواردی که نقص در تنظیم تقنینی یا آنچه «قطع قانونی»<sup>۳۲</sup> نامیده می‌شود وجود داشته باشد، دادگاه یادشده صلاحیت رسیدگی خواهد داشت (سلمان، ۲۰۲۰: ۱). با این حال دادگاه فقط

غفلت جزئی را رصد می‌کند و در نظارت بر سکوت در مورد مقررات یا آنچه در فقه «ترک کلیه»<sup>۳۳</sup> نامیده می‌شود دخالت نمی‌کند. به عبارت دیگر، چنانچه قانون‌گذار موضوع شرعی را به طور کامل مسکوت گذاشته باشد دادگاه به آن موضوع ورود نخواهد کرد.

همان‌گونه که بیان شد نظارت شرعی بر مصوبات به صورت منفعل و پسینی صورت می‌گیرد. به همین صورت دادگاه عالی قانون اساسی در رأی خود<sup>۳۴</sup> در تاریخ ۲۰۲۱/۱۰/۰۹ درباره بند «ه» ماده ۵۰۲ قانون مدنی، مصوب ۱۹۴۸، این ماده را خلاف ماده ۲ قانون اساسی، که همانا برخلاف مبادی شریعت است، دانسته و حکم به جبران خسارت نیز کرده است. در بند «ه» ماده ۵۰۲ آمده در صورتی که هبه به محارم اعطا شود قابل بازگشت نیست. شاکی در دادخواست خود مستند به ماده ۲ قانون اساسی این موضوع را خلاف اصول شرعی، مانند احسان به والدین و لا حرج و فقه حنفی، شمرده که در نهایت دادگاه نیز این امر را تأیید کرد.<sup>۳۵</sup> در مورد نحوه اجرای این احکام باید گفت اصل بر این است که بدون نیاز به مداخله قانونی به‌خودی‌خود قابل اجرا هستند؛ به‌ویژه مقرراتی که محدودیت‌ها را رفع می‌کنند یا محدوده اعمال را تغییر می‌دهند و مواردی را از دایره متن قانون خارج می‌کنند. نمونه آن حکم صادره در جلسه ۲۰۱۶/۰۴/۰۲ در پرونده قانون اساسی ثبت‌شده در جدول شماره ۱۵۳ دادگاه عالی قانون اساسی سی و دومین سال قضایی «قانون اساسی» است که متن آن عبارت است از: «بند اول ماده ۷۱ قانون نظام کارکنان دولت<sup>۳۶</sup> به موجب قانون شماره ۴۷ و بند ۱ آن، که شامل محدودیت اعمال مقررات در انجام دادن مناسک دینی، بدون زیارت اورشلیم، برای کارگر مسیحی بوده است» خلاف ماده ۲ قانون اساسی اعلام شده است. چنین حکمی به‌خودی‌خود قابل اجراست و نیازی به مداخله قانونی ندارد. تنها موضوعی که اهمیت دارد این است که مرجع صالح برای اجرای آن به کارگر مسیحی اجازه زیارت اورشلیم را با همان نظارتی اعطا می‌کند که اجازه حج به مسلمان داده می‌شود.

با این حال برای اجرای برخی از احکام و الزامات آن به دخالت قانونگذار نیاز است. مصداق آن حکم دادگاه عالی قانون اساسی در پرونده شماره ۳۹ از سی و نهمین سال قضایی مورخ ۲۰۱۸/۰۳/۰۲ راجع به بند ۱ ماده ۲ قانون ۱۴۴ مصوب ۲۰۱۵ موضوع تنظیم تخریب بناها و تعیین ضوابط آن است. برای اجرای این حکم، قانونگذار باید برای تعیین مبانی و

ضوابط و کنترل‌های برآورد آن، اعم از ضوابط برآورد غرامت و زمان برآورد آن و پرداخت آن به مستحقان و تضمین آن، وارد عمل شود.

### ۳-۲. ایران

برخلاف دادگاه عالی قانون اساسی مصر، که نقشی منفعلانه از حیث نظارت شرعی بر مصوبات پارلمان دارد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مبانی دینی خود نقشی فعال برای نهاد شورای نگهبان در نظارت بر قوانین در نظر گرفته و طرح‌ها و لوایح به صرف تصویب مجلس شورای اسلامی تبدیل به قانون نمی‌شود. علاوه بر این، اهمیت عدم مغایرت قوانین با شریعت به حدی است که این نظارت محدود به مهلت‌های قانونی مقرر، به‌خصوص مهلت دَروزه (صرف‌نظر از وجود امکان استمهال)، مندرج در اصل ۹۴، نیست و هر زمانی امکان اعمال دارد. این امر در ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان (مصوب ۱۳۷۹) نیز آمده است. مطابق ماده ۱۹ این آیین‌نامه «اعلام مغایرت قوانین و مقررات یا موادی از آن‌ها با شرع با توجه به قانون اساسی در هر زمان که مقتضی باشد توسط اکثریت فقهای شورای نگهبان انجام می‌یابد و تابع مدت‌های مذکور در اصل نود و چهارم قانون اساسی نمی‌باشد». ماده ۲۱ این آیین‌نامه نیز مقرر می‌دارد: «در موارد مغایرت قوانین با شرع موضوع ماده ۱۹ نظر اکثریت فقهای شورای نگهبان به رئیس‌جمهور اعلام می‌شود تا از طرف وی اقدام لازم به عمل آید».

رویه عملی شورای نگهبان در اعمال نظارت شرعی بر مصوبات مجلس شورای اسلامی نیز بیانگر آن است که نهاد پاسدار قانون اساسی اعمال اصل ۴ قانون اساسی و تحقق اصل «لزوم انطباق همه قوانین و مقررات لازم‌الاجرا با موازین اسلامی» را محدود به زمان خاصی نمی‌داند. با نگاه اجمالی در نظرات شورای نگهبان می‌توان دریافت که این نهاد موارد متعددی از مقررات لازم‌الاجرا را رأساً مغایر با موازین اسلامی تشخیص داده است که برخی از آن‌ها در خصوص قوانین مصوب مجلس است که قبلاً به تأیید شورای نگهبان رسیده است؛ اما با گذر زمان مغایرت بخشی از آن‌ها برای فقهای شورا روشن شده است (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۶). در این زمینه می‌توان به نظر فقهای شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۱۴ در مورد ماده ۲۵۲ قانون مجازات اسلامی استناد کرد که در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسیده بود و خلاف شرع اعلام شد.<sup>۳۷</sup> همچنین در نامه شماره ۷۹/۲۱/۷۶۶ مورخ ۱۳۷۹/۰۶/۰۶ دبیر شورای نگهبان به

رئیس وقت مجلس شورای اسلامی دربارهٔ طرح پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که به مرگ مغزی دچار شده‌اند به این صلاحیت شورای نگهبان به‌صراحت اشاره شده است.

### نتیجه‌گیری

به‌رغم اینکه بر اساس اندیشهٔ دینی قانونگذار حقیقی خداوند است، در عصر مدرن تحولاتی در عرصهٔ قانونگذاری رخ داده که در آن عرصه دین از سیاست و قانون جدا شده و معنایی تازه از قانون متولد شده و پا به عرصهٔ حیات اجتماعی انسان نهاده است. این تغییر و تحول که از غرب آغاز شد به کشورهای اسلامی نیز سرایت پیدا کرد و نظام حقوقی آنان را تحت تأثیر قرار داد. قانون اساسی مصر از جملهٔ این موارد است که به‌رغم اینکه در برخی از مواد قانون اساسی جدید آن انگاره‌های دینی به‌خصوص در مادهٔ ۲ به چشم می‌خورد عملاً در فضای سکولار تنفس می‌کند و جایگاهی برای احکام دینی در حوزهٔ تقنین قائل نیست و صرفاً قوانین مصوب پارلمان با طی مراحل قضایی خاص از حیث تعارض با مبادی شریعت اسلامی توسط دادگاه عالی قانون اساسی این کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. با این حال انتقادات جدی از سوی برخی جریان‌های اسلام‌گرا به‌خصوص پس از انقلاب ۲۰۱۱ میلادی به این رویکرد غیراسلامی وارد شده است که مهم‌ترین آن انتقاد از تعطیل شدن بسیاری از احکام شرعی در نظام قانونی این کشور است؛ امری که در رویهٔ عملی آن کشور نیز قابل مشاهده است.

از جهت مطالعهٔ تطبیقی و مقایسهٔ وضعیت نظام حقوقی مصر در موضوع نظارت شرعی بر قوانین مصوب مجلس اگرچه به باور بسیاری از حقوقدانان این شورا نهاد قضایی نیست، می‌توان نهاد شورای نگهبان را معادل دادگاه عالی قانون اساسی مصر در نظر گرفت. همچنین شورای نگهبان، برخلاف دادگاه عالی مصر، قوانین مصوب مجلس را از حیث عدم تعارض با احکام اسلامی بررسی می‌کند و همان‌طور که در اصل ۴ قانون اساسی به‌صراحت آمده است همهٔ قوانین باید بر اساس موازین اسلامی باشد. با این حال، به طور خلاصه می‌توان سه ویژگی مهم دادگاه عالی قانون اساسی مصر را بدین شرح بیان کرد:

۱. این نهاد مصوبات مجلس نمایندگان را به نحو «پسینی» در روند قضایی و به شکل «موردی» بررسی می‌کند و در این بررسی اصول کلی شریعت را ملاک قرار می‌دهد و نه احکام شرعی را.



۲. امکان شکایت مردمی به دادگاه عالی از جهت تعارض با شرع وجود دارد.

۳. در بررسی و اعمال نظارت شرعی صرفاً موارد اجماعی ملاک عمل قرار می‌گیرد.

از جهت بهره‌گیری از ویژگی‌های یادشده در نظام حقوقی ایران می‌توان گفت بر اساس بینش موجود در فقه شیعه اراده افراد در قانون‌گذاری در چارچوب موازین و احکام شرعی مورد پذیرش است و به باور نگارندگان همین مواجهه نیز صحیح است. همین امر در باب مورد سوم نیز صادق است و وجود اختلاف فتاوی در فقه شیعه در نظام حقوقی ایران با توجه به وجود شورای نگهبان و ولایت فقیه مشکل جدی در حوزه تقنین ایجاد نکرده است و بر اساس رویه نظام حقوقی مصر موارد شرعی اجماعی به حداقل رسیده و عملاً می‌توان گفت در دایره‌ای کوچک اثرگذار است و این با فلسفه وضع شریعت از سوی شارع مقدس در تعارض آشکار است و عمده احکام شرعی را مطرود می‌کند. درباره مورد دوم نیز باید گفت این سازکار در حوزه مقررات به نوعی از طریق دیوان عدالت اداری قابل اعمال است و سالیانه موارد متعدد استعلام شرعی از فقهای شورای نگهبان صورت می‌گیرد و بعضی مقررات معارض نیز ابطال می‌شوند. با این حال باید دانست سازکار روشنی ناظر به امکان شکایت از قوانین مصوب مجلس از حیث مغایرت با احکام شرعی از سوی شهروندان وجود ندارد و می‌توان امکان‌هایی را جهت طرح شکایت مستقیم ناظر به ابطال قوانین از حیث مغایرت با احکام شرعی در نظر گرفت.

## یادداشت‌ها

۱. در بند ششم از مقدمه اعلامیه حقوق بشر و شهروندی ۱۷۸۹ فرانسه آمده است: «قانون بیان اراده عموم است. همه شهروندان حق دارند شخصاً یا توسط نمایندگان خود در صورت‌بندی آن شرکت کنند».

2. Kristen Stilt

3. Les principes de la charia sont les sources principales de Legislation

4. Nathalie Bernard-Maugiron and Baudouin Dupret

۵. الإسلام دين الدولة، واللغة العربية لغتها الرسمية، و مبادئ الشريعة الإسلامية المصدر الرئيسي للتشريع.

۶. گفتنی است در ادامه اصلاحیه ۲۰۱۹ میلادی قانون اساسی مصر ملاک است، مگر آنکه تصریح به غیر آن شود.

۷. در ماده ۵ نیز مجدداً بر پلورالیسم سیاسی تأکید شده است: «يقوم النظام السياسي على أساس التعددية السياسية و الحزبية».

۸. نحن نؤمن بالديمقراطية طريقتاً و مستقبلاً و أسلوب حياة، و بالتعددية السياسية، و بالتداول السلمى للسلطة.

۹. بخشی از مقدمه: «نكتب دستوراً يحقق المساواة بيننا فى الحقوق و الواجبات دون أى تمييز».



- ماده ۴: «... و یصون وحدته الوطنیه التي تقوم على مبادئ المساواة والعدل وتكافؤ الفرص بين جميع المواطنين». ماده ۹: «تلتزم الدولة بتحقيق تكافؤ الفرص بين جميع المواطنين، دون تمييز».
۱۰. ... المواطنون لدى القانون سواء، وهم متساوون في الحقوق والحريات والواجبات العامة، لا تمييز بينهم بسبب الدين، أو العقيدة، أو الجنس...
۱۱. و كذلك اعترف المستشار أحمد عبده ماهر في مناظرة له مع المتحدث الرسمي باسم الدعوة السلفية عبد المنعم الشحات على "القناة الأولى المصرية" في برنامج "أنا المصري" بتاريخ ۲۰۱۱/۰۷ م. قال: "أنا كرجل قانون أفسر المادة الثانية من الدستور كي لا يصرخ بعض الناس في اتجاه إلغاءها، أو في اتجاه بقائها، المادة الثانية من الدستور جميلة جدا لا تزعم أحد لا المسلمين ولا أي ملة أخرى، تقول أن "مبادئ الشريعة الإسلامية هي المصدر الرئيسي للتشريع"، هناك فرق بين "مبادئ الشريعة الإسلامية" و "أحكام الشريعة الإسلامية" لو "أحكام الشريعة الإسلامية المصدر الرئيسي" سنرى من سنقطع يده و من سيجلد و من سترجمه و من سنقتله لكن "مبادئ الشريعة الإسلامية" نقصد بها الأخلاق ... " و عدلت النثر ليستقيم عربيا.
۱۲. الدعوى رقم ۸ لسنة ۱۷ قضائية المحكمة الدستورية العليا.
۱۳. به عنوان مثال: د. فؤاد النادى «مبدأ المشروعية و ضوابط خضوع الدولة للقانون في الفقه الإسلامي»، د. مصطفى كمال وصفي «مبدأ المشروعية في النظام الإسلامي»، د. على جريشة «المشروعية الإسلامية العليا»، د. عبد الجليل محمد على «مبدأ المشروعية في النظام الإسلامي و الأنظمة القانونية المعاصرة».
۱۴. أبو زكريا يحيى بن شرف النووي (۶۳۱ قمرى - ۶۷۶ قمرى) مشهور به امام النووى، عالم و مجتهد و محدث مسلمان برجسته شافعى.
۱۵. گفتنی است بند ۲ ماده ۱ قانون مدنی که از سال ۱۹۴۹ میلادی لازم الاجراست می گوید: «اگر نص تشريعی قابل اجرا نباشد، قاضی مطابق عرف است و اگر پیدا نشد، طبق موازين شرعی و اگر وجود نداشته باشد، طبق اصول حقوق طبیعی و قواعد عدالت. تفاوت این دو ماده در این است که ماده قانون مدنی در محدوده قانون مدنی قاضی را مورد خطاب قرار می دهد، درحالی که اصل قانون اساسی با توجه به همه قوانین قانون گذار را مورد خطاب قرار می دهد».
۱۶. مقدمه قانون اساسی: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می باشد».
۱۷. جهت دریافت مفهوم موازين اسلامی ← اسماعیلی، م، امینی پزوه، ح. (۱۳۹۴). معنانشناسی برخی از هنجارهای اسلامی در قانون اساسی با محوریت مفهوم موازين اسلامی. دانش حقوق عمومی، سال چهارم، شماره ۱۱.
۱۸. برای مشاهده نمونه ← پاسخ به استفساریه درباره اصل ۹۶ قانون اساسی به شماره ۸۷/۳۰/۲۹۳۴۹، مورخ ۱۳۸۷/۰۹/۰۳.
۱۹. ماده ۲۵ من قانون المحكمة الدستورية العليا.
۲۰. المحكمة الدستورية العليا جهة قضائية مستقلة، قائمة بذاتها...

۲۱. ماده ۱۹۳ قانون اساسی مصر.
۲۲. ماده ۲۷ من قانون المحكمة الدستورية العليا.
۲۳. ماده ۴۶ من قانون المحكمة الدستورية العليا.
۲۴. ماده ۴۸ من قانون المحكمة الدستورية العليا.
۲۵. ماده ۴۹ من قانون المحكمة الدستورية العليا.
۲۶. اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۷. به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آن‌ها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود:
۱. شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است ...
۲۸. در نظریه تفسیری شماره ۲۴۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۱ بیان شده است: «تشخیص مغایرت یا انطباق قوانین با موازین اسلامی به طور نظر فتوایی با فقهای شورای نگهبان است».
۲۹. کدخدایی، ع. (۱۳۹۷). خبرگزاری مهر: [1091377b/agr25yun.ir](http://agr25yun.ir/1091377b) آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵.
۳۰. پیرو نامه شماره ۷۹/۲۱/۲۹۲ مورخ ۱۳۷۹/۰۲/۰۸، شورای نگهبان در بند ۲ اشعار می‌دارد: «علاوه بر آن به استناد اصل چهارم قانون اساسی فقهای شورای نگهبان می‌توانند در مورد قوانین و مقررات، هر زمان آن‌ها را خلاف شرع بیابند، اعلام نظر کنند و این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی حاکم است».
۳۱. به عنوان نمونه ← پاسخ شورای نگهبان به نامه شماره ۹۰۰۰/۲۱۰/۸۶۴۸/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۶ و پاسخ به نامه به نامه شماره ۹۰۰۰/۲۱۰/۱۹۲۷۷۳/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۰۴ رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.
۳۲. الإغفال التشريعي.
۳۳. إغفال الكلّي.
۳۴. رقم ۹۷ لسنه ۳۰ قضائیه دستوریه.
۳۵. حکمت المحكمة بعدم دستوريه نص البند ه من ماده ۵۰۲ القانون المدني الصادر بالقانون رقم ۱۳۱ لسنه ۱۹۴۸ فی مجال سربانها علی هبه ای من الوالدين لولده و الزمت الحكومة المصروفات و مبلغ مائتی جنبه مقابل اتعاب المحاماه.
۳۶. قانون نظام موظفی الدولة.
۳۷. نظر شماره ۱۵۲۸/۲۱/۷۵ مورخ ۱۳۷۵/۰۴/۱۲. 1375/04/12

►  
منابع  
فارسی  
کتاب

- اسماعیلی، م.، و دیگران (۱۳۹۱). *دین و قانون*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ال مدکس، ر. (۱۳۸۵). *قوانین اساسی کشورهای جهان*. مترجم: سید مقداد ترابی. تهران: شهر دانش.
- سبحانی، ج. (۱۳۷۰). *مبانی حکومت اسلامی*. مترجم: داود الهامی. قم: مؤسسه علمی و فرهنگی سیدالشهدا.
- زیباکلام، ص. (۱۳۹۵). *غرب چگونه غرب شد*. تهران: روزنه.
- غمامی، س. (۱۳۹۰). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کعبی، ع. (۱۳۹۳). *تحلیل مبانی اصل دوم قانون اساسی*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- کلی، ج. (۱۳۸۳). *تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب*. مترجم: محمد راسخ. تهران: نی.
- لاگلین، م. (۱۳۹۳). *مبانی حقوق عمومی*. مترجم: محمد راسخ. تهران: نی.
- وثیق، ش. (۱۳۹۶). *لائسیته چیست*. تهران: اختران.
- یزدی، م. (۱۳۶۳). *وظایف و حقوق شورای نگهبان*. قم: قرآن و حدیث (نور علم).

مقالات

- ارسطا، م. (۱۳۹۸). *فتوای معیار در قانون گذاری*. *فقه حکومتی*، ۴ (۶)، ۵۵-۸۱.
- جوان آراسته، ح. (۱۳۸۲). *قانون اساسی، مبانی حاکمیت دینی در قانون گذاری*. *حکومت اسلامی*، ۱ (۲۸)، ۷۲-۱۰۵.
- عباسی، ب.، و حسینی الموسوی، س. (۱۳۹۶). *بررسی رویه شکلی شورای نگهبان در انطباق مقررات دولتی با شرع*. *حقوق اداری*، ۱ (۲۵)، ۲۰۷-۲۲۳.



کعبی، ع.، علم الهدی، ح.، و فتاحی زفرقندی، ع. (۱۳۹۱). تحلیل و بررسی قانون اساسی مصر ۲۰۱۳. بررسی‌های حقوق عمومی، ۱ (۱)، ۶۷-۹۸.

موسی‌زاده، ا. (۱۳۸۷). بررسی ماهیت شورای نگهبان. حکومت اسلامی، ۱۳ (۱)، ۱۵۶-۱۷۷.

نیکونهاد، ح.، و زندیه، ز. (۱۳۹۸). حکومت موازین اسلامی بر اطلاق و عموم اصول قانون اساسی در رویه فقهای شورای نگهبان؛ نگاهی رویه‌ای به آثار نظارت شرعی بر اصول قانون اساسی. دانش حقوق عمومی، ۱ (۲۴)، ۱۰۹-۱۳۲.

### قوانین و مقررات

آرای دادگاه عالی قانون اساسی مصر.

آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان (۱۳۷۹).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).

قانون اساسی جمهوری عربی مصر.

قانون اصلاح قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (۱۴۰۲).

قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (۱۳۹۰).

نظرات تفسیری شورای نگهبان.

قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).

قانون مدنی مصر (۱۹۴۸).

### نماینه

فتاحی زفرقندی، ع. (۱۳۹۶). شورای نگهبان: <https://yun.ir/zy/1091377f/410>، آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵.

کدخدایی، ع. (۱۳۹۷). خبرگزاری مهر: <https://yun.ir/25gr5b/1091377>، آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵.

## عربی کتب

- الجندي، ا. (۲۰۰۹). رجال اختلف فيهم الرأي من أرسطو إلى لويس عوض. قاهره: الشامله ذهبيه.
- السنهوري، ع. (۲۰۰۹). الوسيط في شرح القانون المدني الجديد. بيروت: منشورات الحلبي الحقوقية.
- الطماوي، س. (۲۰۱۷). النظرية العامة للقرارات الادارية دراسة مقارنة. بيروت: الفكر العربي.
- القمرى، ع. (۲۰۱۹). تنبيه الجميع لمعنى قولهم مبادئ الشريعة الإسلامية المصدر الرئيسي للتشريع. مصدر: المكتبة الشامله الذهبيه.
- المودوديا (۱۹۶۹). نظريه الاسلام و هديه فى السياسه و القانون و الدستور. بيروت: الرساله.
- بن شرف النووى، ي. (بى تا). صحيح مسلم بشرح النووى. قاهره: مؤسسه قرطبه. ج ۱۲.
- عيسى (۱۹۹۷). سيادة القانون فى مصر. الأسطورة الأيديولوجية و الوقائع السياسية.
- جابر علوانى، ط. (۱۹۹۵). حاكمية إلهية أم حاكمية كتاب - مقدمة كتاب الأبعاد السياسية لمفهوم الحاكمية. واشنگتن: المعهد عالمى للفكر الاسلامى.
- كمال وصفى، م. (۱۹۹۴). النظام الدستورى الإسلامى مقارناً بالنظم الوضعية. قاهره: مكتبه وهبه.
- غراب، ع. (۱۹۸۶). مخالفة الأحكام الشرعية للأحكام الوضعية. قاهره: دارالكتاب.
- مؤمن قمى، م. (۱۳۹۵). الولاية الالهيه الاسلاميه. قم: جامعه مدرسين حوزة علميه قم. ج ۳.
- هلول، م. (۱۹۸۲). القانون الدستورى: النظرية العامة - النظام الدستورى المصرى. المنصوره: الجلاء الجديد.

## مقالات

- بناسى، ش. (۲۰۱۷). الشريعة الاسلاميه و مبادوها كمصدر للقانون المدني: شعار دون اثر قانونى الالتزامات انموذجاً. حوليات جامعه الجزائر، ۳۰۴-۳۴۲.

►  
نمایه

ابوالمعاطی، س. (۲۰۱۲). *الاهرام*. تم الاسترداد من: <https://yun.ir/vyavare/1091377>. آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵.

الطيب، ا. (۲۰۱۲). *الأزهر يطالب بالإبقاء على «مبادئ» الشريعة الإسلامية مصدراً للتشريع في الدستور المصري*. تم الاسترداد من الوطن: <https://yun.ir/aqxk1g/1091377>. آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵.

تناغو، س. (۲۰۱۳). *تفسير مبادئ الشريعة حسب وثيقة الأزهر*. تم الاسترداد من المصري اليوم: <https://yun.ir/exrsk/1091377>. آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵.

سلمان، ع. (۲۰۲۰). *الرقابة القضائية على قصور التنظيم التشريعي*. تم الاسترداد من منشورات قانونية: <https://manshurat.org/node/66837>. آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵.

زين العابدين، م. (۲۰۱۳). *موقف السنهوري من تطبيق الشريعة و تقنينها*. مجله البيان العدد ۳۱۵: <https://yun.ir/okk2x/1091377>. آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵.

مجلس النواب (۲۰۱۹). *دستور جمهورية مصر العربية*. قاهره: <https://yun.ir/tkdsje/1091377>. آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵.

مرسى، م. (۲۰۱۲). *إصدار دستور جمهورية مصر العربية لسنة ۲۰۱۲*. تم الاسترداد من منشورات قانونية: <https://manshurat.org/node/3573>. آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵.

منصور، ع. (۲۰۱۴). *إصدار دستور جمهورية مصر العربية المعدل لسنة ۲۰۱۴*. تم الاسترداد من منشورات قانونية: <https://manshurat.org/node/4256>. آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵.

## References

### Book

Al-Jundi, A. (2009). *Men with Differing Opinions from Aristotle to Louis Awad*. Cairo: Al-Shamila Zahabiya.

Al-Qamari, A. (2019). *Alerting everyone to the meaning of their statement, the principles of Islamic law, the main source of legislation*. Al-maktaba al-shamela al-zahabiya



- Al-Sanhouri, A. (2009). *Al-Wasit on Explanation of the New Civil Law*. Beirut: Al-Halabi Legal Publications.
- Al-Tamawy, S. (2017). *The general theory of administrative decisions, a comparative study*. Beirut: fekr al-arabi.
- El Medex, R. (1385). *The Basic Laws of the World Countries*. translator: Seyed Moqdad Torabi. Tehran: Shahr Danesh Publishing House.
- Esmaili, M., et al. (2011). *Religion and Law*. Tehran: Imam Sadegh University
- Ghamami, S. (2013). *The Fundamental Rights of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Center for Islamic Revolution Documents.
- Ghorab, A. (1986). *Contradiction of Sharia Rulings to Man-made Rulings*. Cairo: Dar Al-Kitab.
- Hiloul, M. (1982). *Constitutional Law: General Theory - The Egyptian Constitutional System*. Mansoura: al-jala al-jadida
- Ibn Sharaf Al-Nawawi, Y. *Sahih moslem Sharh Al-Nawawi*. Volume 12 Cairo: qertebe
- Issa (1997), *The rule of law in Egypt, ideological myth and political realities*.
- Jaber Alwani, T. (1995). *Divine Rule or Rulership Book - Introduction to the book The Political Dimensions of the Concept of Rulership*. Washington: International Institute for Islamic Thought.
- Kaabi, A. (2013). *Analysis of the Basics of the Second Principle of the Constitution*. Tehran: Guardian Council Research Institute.
- Kamal Wasfi, M. (1994). *The Islamic Constitutional System Compared to Man-made Systems*. Cairo: Wahba Library.
- Kelly, J (۲۰۰۴), *A Brief History of Legal Theory in the West*. Translator: Mohammad Rasakh. Tehran: Nei Publishing.
- Laughlin, M. (2013). *Basics of Public Law*. translator: Mohammad Rasakh. Tehran: Ney Publishing.
- Maududi, A.(1969). *The Theory of Islam and its Guidance in Politics, Law, and Constitution*. Beirut: Al-Resala.
- Momin Qomi, M. (1395). *The Divine Guardianship of Islam*. Volume 3. Qom: Jamiat-e Modarreens Seminary of Qom,
- Sobhani, J. (1370). *Fundamentals of Islamic Government*. translator: Daud Elhami. Qom: Seyyed al-Shohada Scientific and Cultural Institute.
- Vathiq, S. (2016). *What is laicity*. Tehran: Akhtaran publishing house.
- Yazdi, M. (1984). *Duties and Rights of the Guardian Council*. Qur'an and Hadith Magazine (Noor Alam).



Zibakalam, S. (2015). *How the West became the West*. Tehran: Rozeneh Publications. ▶

### Article

Abbasi, B., Hosseini Al-Mousavi, S. (2016). Examining the Formal Procedure of the Guardian Council in the Compliance of Government Regulations with Sharia. *Administrative Law*, 8 (25), 207-223.

Arista, M. (2018). Standard Fatwa in Legislation. *Government Jurisprudence*, 4 (6), 55-81. (in Persian)

Benassi, S. (2017). Islamic law and its principles as a source of civil law: a slogan without legal effect, obligations as a model. *Annals of the University of Aljazayer*. 304-342

Bernard-Maugiron, N and Dupret, B. (1999). Les principes de la charia sont les sources principales de Legislation. *open Edition journal*, 107-126

Javan Arasteh, H. (2012). Constitutional Law, Fundamentals of Religious Sovereignty in Legislation. *Islamic Government Quarterly*, 8 (28), 72-105. (in Persian)

Kaabi, A, Alam El Hadi, H and Fatahi Zafarqandi, A. (2012). "Analysis and Review of the 2013 Egyptian Constitution. *Public Law Reviews*. 1 (1), 67-98.

Mousazadeh, E. (2008). "Investigation of the nature of the Guardian Council. *Islamic Government*, 13 (1), 156-177. (in Persian)

Nikonhad, H and Zandieh, Z. (2018). The Rule of Islamic Criteria on Absoluteness and Generality of the Articles of the Constitution in the precedent of Guardian Council Jurists; A Procedural Overview at the Effects of Sharia Supervision over the Articles of the Constitution. *Quarterly Journal of Public Law Knowledge*, 8 (24), 109-132.

Stilt, K. (2010). Islam is the Solution: Constitutional Visions of the Egyptian Muslims Brotherhood. *Texas International Law Journal*. 73-108

### Laws

Egyptian Civil Code (1948)

Internal Regulations of the Guardian Council (1379)

Interpretive comments of the Guardian Council

Islamic Penal Code (2012)

Law amending the Law on Organizations and Procedures of the Court of Administrative Justice (2023)

Law on the Organization and Procedure of the Court of Administrative Justice (2010) ◀

Opinions of the Supreme Constitutional Court of Egypt  
The Constitution of the Arab Republic of Egypt  
The Constitution of the Islamic Republic of Iran (1979)

### Web

- Abu Al-Maati, Samir (2012), *Al-Ahram*, retrieved from: <https://yun.ir/7ya73e/1091377> Others updated: 1402/10/5
- Al-Tayeb, Ahmed (2012), *Al-Azhar demands maintaining the "principles" of Islamic Sharia as a source of legislation in the Egyptian Constitution*. Retrieved from Al Watan: <https://yun.ir/aqxk1g/1091377> Others updated: 1402/10/5
- Egypt constitutional changes could mean Sisi rule until 2030 (2019). *BBC*: <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-47947035>
- Egypt to vote on extending Sisi's term on April 20-22. (2019). *aljazeera*: <https://www.aljazeera.com/news/2019/4/17/egypt-to-vote-on-extending-sisis-term-on-april-20-22>
- Egypt to vote on extending Sisi's term on April 20-22. (2019). see: <https://www.aljazeera.com/news/2019/4/17/egypt-to-vote-on-extending-sisis-term-on-april-20-22>
- Fatahi Zafarqandi, A. (2016). *Guardian Council*: <https://yun.ir/zy410f/1091377> Last visit: 1402/10/5
- Kodkhodaei, A. (2017). *Mehr news agency*: <https://yun.ir/25gr5b/1091377> Last visit: 1402/10/5
- Mansour, A. (2014). Issuance of the Amended Constitution of the Arab Republic of Egypt for the year 2014. *retrieved from legal publications*: <https://manshurat.org/node/4256> Others updated: 1402/10/5
- Morsi, M. (2012). Issuing the Constitution of the Arab Republic of Egypt for the year 2012. *retrieved from legal publications*: <https://manshurat.org/node/3573> Others updated: 1402/10/5
- Salman, A. (2020). Judicial oversight of the shortcomings of legislative regulation. *retrieved from legal publications*: <https://manshurat.org/node/66837> Others updated: 1402/10/5
- Tanago, Samir. (2013). Interpretation of Sharia principles according to the Al-Azhar document. *Retrieved from Al-Masry Al-Youm*: <https://yun.ir/ex4sk/1091377> Others updated: 1402/10/5
- Zain Al-Abidin, M. (2013). Al-Sanhouri's position on the application and codification of Sharia. *Al-Bayan Magazine*. No. 315: <https://yun.ir/okk2x/1091377> Others updated: 1402/10/5